

## قاعده نفی عسر و حرج

امان الله علیمرادی

دانشجوی دکتری و عضو هیأت علمی گروه مطالعات خانواده - واحد بافت

### ◆ چکیده:

قاعده فقهی حکم شرعی عامی است که با تطبیق آن بر موارد و مصادیق، احکام شرعی جزئی استفاده می شود. قاعده فقهی ممکن است به بعضی از ابواب فقه محدود باشد مانند قاعده «ضمان ید» یا در تمامی ابواب فقه جاری باشد مانند قاعده مورد بحث.

آنچه شما خواننده محترم پیش رو دارید بررسی قاعده فقهی «نفی عسر و حرج» است. در این نوشتار معنای اجمالی قاعده و مفهوم دو عنوان عسر و حرج و رابطه مصادیق آن دو آمده است و با استناد به مدارک و مستندات مربوطه مفاد قاعده استخراج شده و به کاربرد آن در قوانین ایران اشاره ای رفته است.

واژه بررسی این قاعده این نتیجه عاید شده است که یکی از برجسته ترین مشخصات اسلام این است که دینی است آسان، و در آن تکالیف دست و پاگیر و شاق و حرج آمیز وضع نشده است و دینی است باگذشت، هر جا انجام تکلیفی توأم با مضیقه و در تنگنا واقع شدن گردد، آن تکلیف ملغی می شود.

کلید واژه ها: عسر، حرج، تکلیف خارج از طاقت

## معنای اجمالی قاعده

در دین اسلام حکم حرجی نفی شده است خواه حکم تکلیفی باشد یا وضعی یعنی حکمی که موجب به تنگنا افتادن مکلف و به سختی انداختن او شود از آیین اسلام برداشته شده است. البته نه هر سختی و تنگی، حرج است بلکه سختی شدید مراد است زیرا اگر هر سختی و ضیق «عسر و حرج» باشد لازم می آید همه تکالیف، حرجی باشند چون تکلیف از جهت تکلیف بودن کلفت و مشقت و سختی همراه دارد.

## مفهوم عسر و حرج

واژه حرج در کتب لغت به معنی ضیق، درختان انبوه و اثم (گناه) آمده است. (جره‌ری: ج ۱ ص ۲۰۵) و (ابن اثیر: ج ۱ ص ۲۴۸) و (ابن منظور: ج ۲ ص ۲۳) و (طریحی: ج ۱ ص ۲۰۵) و (صنعی پور: ج ۱ ص ۲۲۴) و (فیروز آبادی ذیل واژه حرج) بعضی از لغت شناسان گفته اند: اصل حرج و حراج مجتمع دو چیز است به طوری که از اجتماع آن دو ضیق و تنگی میان آن دو تصور شود. (الاصفهانى: ذیل واژه حرج).

در آیات کریمه قرآن حرج به معنای ضیق استعمال شده است مانند آیات زیر:

۱- فلا وربک لا یومنون حتی یحکموک فیما شجر بینهم ثم لا یجدوا فی انفسهم حرجا مما قضیت و یسلموا تسلیماً. (آیه ۶۵ سوره نساء)

به پروردگارت سوگند که آنها ایمان نمی آورند مگر اینکه در اختلافات خود تو را به داوری طلبند و پس از داوری تو در دل احساس تنگی نکنند و کاملاً تسلیم باشند.

۲- وجاهدوا فی الله حق جهاده هو اجتیبکم و ما جعل علیکم فی الدین من حرج ملة ابراهیم هو سمیکم المسلمین من قبل و فی هذا لیکون الرسول شهیداً علیکم و تكونوا شهداء علی الناس فاقیموا الصلوه و آتوا الزکوة و اعتصموا بالله هو مولیکم فنعیم المولی و نعم النصیر. (حج آیه ۷۸)

و در راه خدا جهاد کنید و حق جهادش را ادا نمایید او شما را برگزید و در دین اسلام تنگی بر شما قرار نداد از آیین پدرتان ابراهیم پیروی کنید خداوند شما در کتابهای پیشین و در این کتاب مسلمان نامید تا پیامبر گواه بر شما باشد و شما گواهان بر مردم پس نماز را بر پا دارید و زکات را بدهید و به خدا تمسک جوید که او مولا و سرپرست شماست چه مولای خوب و چه یاور شایسته‌ای.

۳- فمن یرد الله ان یهدیه یشرح صدره للاسلام و من یرد ان یضله یجعل صدره ضیقا حرجا کانما یصعد فی السماء کذلک یجعل الله الرجس علی الذین لا یؤمنون (انعام آیه ۱۲۵).

آن کس را که خدا بخواهد هدایت کند سینه اش را برای پذیرش اسلام گشاده می سازد و آن کسی را که (بخاطر اعمال خلافش) بخواهد گمراه سازد سینه اش را چنان تنگ می کند که گویا می خواهد به آسمان بالا رود.

۴- کتب انزل الیک فلا یکن فی صدرک حرج منه لتنذر به ذکری للمؤمنین (اعراف آیه ۲).

این کتابی است که بر تو نازل شده پس نباید از ناحیه آن تنگی و ناراحتی در سینه داشته باشی بعضی.

از اساتید گفته اند: در آیات زیر حرج به معنای اثم و گناه است. (محقق داماد ص ۶۱)

۱- لیس علی الضعفا و علی المرضى و لا علی الذین لا یجدون ما ینفقون حرج اذا نصحو الله و رسوله ما علی المحسنین من سبیل و الله غفور رحیم (توبه آیه ۹۱).

بر ضعیفان و بیماران و آنها که وسیله ای برای انفاق ندارند ایرادی نیست (که در میدان جنگ شرکت نجویند) هرگاه برای خدا و رسولش خیرخواهی کنند.

۲- لیس علی الاعمی حرج و علی الاعرج حرج و لا علی المريض حرج و من یطع الله و رسوله یدخله جنت تجری من تحتها الانهر و من یتول یتذبه عذابا الیما (سوره فتح آیه ۱۷).

یعنی: بر نابینا و لنگ و بیمار گناهی نیست (اگر در میدان جهاد شرکت نکنند) و هر کس خدا و رسولش را اطاعت کند او را در باغهای بهشت وارد کند.

۳- و اذ تقول لئدی انعم الله علیه و انعمت علیه امسک علیک زوجک و اتق الله و تخفی فی نفسک ما الله مبدیه و تخشی الناس و الله احق ان تخشیه فلما قضی زید منها و طرا زوجناکها لکی لا یكون علی المؤمنین حرج فی ازواج ادعیها ثم اذا قضاوا منهن و طرا و کان امرالله مفعولا (سوره احزاب آیه ۳۷). و چون تو آنکس که خدایش نعمت اسلام بخشید و تماش نعمت آزادی (یعنی زیدین حارثه) به نصیحت گفتمی برو زنی را نگهدار که همسر توست و از خدا بترس و (طلاقش مده) و آنچه در دل پنهان می داشتی خدا آشکار ساخت و تو از مخالفت و سرزنش خلق ترسیدی و از خدا سزاوارتر بودی پس ما هم (بدین غرض) چون زید از آن زن کام دل گرفت (و طلاقش داد) او را ما به نکاح تو آوردیم تا بعد از این مومنان در نکاح زنان پسر خوانده خود که از آنها کامیاب شدند (ر طلاق دادند) بر خویش حرج و گناهی نهندارند و فرمان خدا به انجام رسید.

۴- ما كان على النبي من حرج فيما فرض الله له سنة الله في الدين جاؤوا من قبل و كان امر الله قدرا مقدورا (سوره احزاب آیه ۲۸). پیامبر را در حکمی که خدا (در نکاح زنان پسر خوانده) بر او مقرر فرموده گناهی نیست سنت الهی در میان آنان که در گذشتند همین است (که انبیا را توسعه در امر نکاح و تحلیل برخی محرمات است) و فرمان خدا حکمی نافذ و حتمی خواهد بود.

به نظر می رسد گرچه به توجه به فراین موجود در این آیات از کلمه «حرج» معنای گناه اراده شده است. لکن با دقت نظر معلوم می شود معنای اصلی کلمه یعنی «ضیق» در این آیات محفوظ است. در روایات نیز واژه حرج به معنای ضیق به کار رفته است مانند روایت ابن بصیر: ان الدین لیس بمضیق لان الله يقول ما جعل علیکم فی الدین من حرج. (حر العالمی: ج ۱ ص ۱۲۰) یعنی؛ دین، ضیق و تنگ نیست زیرا خدای متعال می فرماید: در دین بر شما حرجی قرار نداده است. امام (ع) برای بیان اینکه دین، تنگ و ضیق نیست به سخن خدای تعالی «در دین، بر شما حرجی قرار داده نشده است» استناد کرده معلوم می شود واژه «حرج» به معنای تنگی، تنگنا و ضیق است.

### معنی عسر

واژه «عسر» نیز متضاد «یسر» است و در معنی صعب، دشوار، مشکل، سخت و سخت شدن بکار می رود. (دمخدا: ذیل واژه حرج) این واژه در قرآن کریم به همین معنی است. چنانکه خداوند فرموده است: فان مع العسر یسرا. (سوره الشرح آیه ۵) همانا با سختی آسانی است و یا سیجعل الله بعد عسر یسرا (سوره طلاق آیه ۷). خداوند بعد از سختی، آسانی قرار خواهد داد.

### رابطه عسر و حرج

به نظر می رسد رابطه مصادیق عسر و حرج رابطه تساوی است. یعنی معمولا هر عملی که انسان را به تنگنا و ضیق اندازد دشوار و سخت هم هست و هر کاری که انجام دادنش سخت و شاق باشد موجب تنگی و اعمال فشار بر او نیز می شود. (محقق داماد: ج ۲ ص ۶۲)

### فرق حرج و ضرر:

ضرر نقص و کاستی در مال، بدن و آبرو و مانند آن است. آن چه نقص و کاستی نباشد ضرر

نام نمی گیرد به خلاف حرج که مشقت شدید است گرچه نقصان و کاستی دربر نداشته باشد به عنوان مثال ممکن است وضو با آب سرد در سرمای شدید به حد مشقت شدید برسد و موجب حرج شود بی آنکه نقص و آسیبی به بدن عارض شود در این صورت عنوان ضرر صدق نمی کند.

## مدارک و مستندات قاعده

از آیات قرآن برای اثبات این قاعده به آیات زیر می توان تمسک کرد:

### ۱- آیه ۷۸ سوره حج:

و جاهدوا فی الله حق جهاده هو اجتیبکم و ما جعل علیکم فی الدین من حرج ملة ایکم ابراهیم هو سمی کمال مسلمین من قبل و فی هذا لیکون الرسول شهیدا علیکم و تكونوا شهداء علی الناس فاقیموا الصلوة واتوا الزکوة و اعتصموا بالله هو مولیکم فتعم المولی و نعم النصیر جمله «ما جعل علیکم فی الدین من حرج» در این آیه مورد استناد است. واژه «دین» در این جمله مطلق است و شامل جمیع احکام و تکالیف دینی می شود. مطابق این جمله در دین اسلام تکالیف حرجی و سخت و مضیق آور وضع نشده است در کلیه قوانین دین اسلام هرگاه در عمل به احکام و الزامات شرعی، انسانها در حرج واقع شوند این احکام و الزامات از آنها برداشته می شوند.

### ۲- آیه ۶ سوره مائده:

یا ایها الذین امنوا اذا قمتم الی الصلوة فاغسلوا وجوهکم و ایدیکم الی المرافق و امسحوا برء و سکم و ارجلکم الی الکعبین و ان کنتم جنبا فاطهروا و ان کنتم مرضی او علی سفر او جاء احد منکم من الغائط او لمستم النساء فلم تجدوا ماء فتیمموا صعبا طیبیا فامسحوا بوجوهکم و ایدیکم منه ما یرید الله لیجعل علیکم من حرج و لکن یرید لیطهرکم و لیتم نعمته علیکم لعلکم تشکرون اهل ایمان چون خواهید برای نماز برخیزید صورت و دستها را تا آرنج بشوید و سر و پاها را تا برآمدگی پا مسح کنید و اگر جنب هستید پاکیزه شوید و یا اگر بیمار و مسافر باشید یا یکی از شما را قضا حاجتی دست داد و بازنان مباشرت کرده اید و آب نیاید در این صورت به خاک پاک و پاکیزه تیمم کنید و به آن خاک صورت و دستها را مسح کنید خدا هیچگونه سختی در دین برای شما قرار نخواهد داد لکن می خواهد شما را پاکیزه نگه دارد و نعمت را بر شما تمام کند باشد که شکر او به جا آورید.

جمله «ما یرید الله لیجعل علیکم من حرج» در این آیه مورد استناد است که جعل و قانون گذاری حرج را به طور مطلق نفی کرده است، یعنی خداوند به صورت یک قاعده کلی مطلق و فراگیر، جعل قوانین حرجی برای انسان نخواسته است.

### ۳- آیه ۱۸۵ سوره بقره:

شهر رمضان الذی انزل فیہ القرآن هدی للناس و بینات من الهدی و الفرقان فمن شهد منکم الشهر فلیصمه و من كان مریضاً او علی سفر فعدو من ایام اخر یرید الله بکم الیسر و لا یرید بکم العسر و لتکلموا العده و لتکبروا الله علی ما هدیکم و لعلکم تشکرون .

جمله «یرید الله بکم الیسر و لا یرید بکم العسر»، بیان مطلق و فراگیری است و حاکی از آن است که خدای متعال عسر و حرج را برای آدمیان در حوزه تشریح و قانون گذاری اراده نکرده است. بعضی از محققین علاوه بر آیات یاد شده سخن خدای تعالی: «لا یکلف الله نفساً الا وسعها» (بقره، ۲۸۶) را دلیل این قاعده دانسته اند. (موسوی الیجنوری، ج ۱ ص ۲۵)

دلالت این آیات بر نفی احکام حرج در اسلام و اثبات قاعده نفی عسر و حرج کاملاً واضح و روشن است و جای هیچ اشکالی نیست. خصوصاً امام صادق (ع) به بعضی از این آیات برای رفع و برداشتن احکام حرجی استناد نموده است که در بحث اخبار این قاعده می آید. اخباری که به عنوان مدرک این قاعده به آن استناد شده است.

اخبار فراوانی از معصومین (ع) نقل شده که امکان استشهاد به آنها برای قاعده «نفی عسر و حرج» وجود دارد علامه نراقی در کتاب عوائد تعداد آنها را تا ۱۸ خبر ذکر کرده است (نراقی، ۵۸-۵۷)

### دسته اول

یک دسته از آنها اخباری است که امام (ع) برای حکم حرجی در اسلام به سخن خدای تعالی «ما جعل علیکم فی الدین من حرج» (مائده، آیه ۶) استشهاد نموده است در این جا به یک مورد اشاره می شود راوی به امام صادق (ع) می گوید که به زمین افتاده است و ناخن وی جدا شده و روی آن مراره گذاشته است با این وضع چگونه وضو بگیرد؟ امام (ع) در پاسخ می فرماید: حکم این قضیه و نظایر آن از کتاب خدا معلوم می شود خداوند فرموده است «ما جعل فی الدین من حرج» پس بر آن مسح کن (حر العاملی، ج ۱، ص ۳۲۷ باب ۳۹ از ابواب وضوح ۵).

در این حدیث امام (ع) به جمله «ما جعل علیکم فی الدین من حرج» به عنوان یک قاعده کلی بر نفی وجود مسح روی انگشت آسیب دیده استاد نموده و فرموده بر مراره مسح کن زیرا مسح بر روی انگشت آسیب دیده حرجی است و در دین حرجی وجود ندارد. طبق رهنمود امام علی (ع) از این قاعده کلی برای رفع احکامی که برای مکلفان مضیقه ساز و مشقت آورند، استفاده کرد. (محقق داماد، ص ۶۵).

صاحب کتاب گرانقدر (القواعد الفقهیه) چهار حدیث دیگر مشابه این حدیث در این بحث آورده است (موسوی البجنوردی: ج ۱ ص ۲-۲۵۱).

## دسته دوم

اخباری که در آنها به آیات قرآن استناد نشده لکن مضمون آنها می تواند دلیل قاعده نفی عسر و حرج باشد.

۱- روایت حمزه بن طیار: «وکل شی امر الناس به فهم یسعون وکل شی لایسعون فهو موضوع انهم» (کلینی: ج ۱، ص ۱۶۴، باب حج الله الی خلق، حدیث ۴).

مطابق این حدیث هر آنچه انسانها به انجام آن امر شده اند نسبت به آن وسعت و گشایش دارند و در توان آنهاست و هر آنچه نسبت به آن در وسعت و گشایش نیستند از آنها برداشته شده است. قسمت اخیر این حدیث گویای قاعده مورد بحث است.

۲- حدیث صحیح بزنطی از امام محمد باقر که فرموده است: «ان الخوارج ضیقوا الا انفسهم بجهالة وان الذین اوسع من ذلك» (حر العالی، ج ۲، باب ۵۰، از ابواب نجاسات، ح ۳).

مطابق این حدیث امام (ع) دین را بازتر و آزادتر از این می داند که احکام آن مردم را در ضیق و تنگنا بیندازد.

معنای این حدیث هم بیانگر قاعده نفی عسر و حرج است.

۳- حدیث مشهور نبوی «بعثت بالحنیفه السمحه السهلة» (حر العالی، ج ۵، ص ۲۴۶، باب ۱۴، از ابواب بقیه الصلوه المندوبه، حدیث ۱)

مطابق این حدیث دینی که پیامبر اکرم برای آوردن آن برانگیخته و مبعوث شده اند دینی است حنیف، حق گرا، باگذشت و آسان.

مفاد این حدیث هم گویای قاعده نفی عسر و حرج است.

روایات فراوان دیگری وجود دارند که بر نفی قانون گذاری احکام حرجی در دین اسلام و اثبات قاعده نفی عسر و حرج دلالت دارند که از ذکر آنها خود داری می شود. اما اجماع نمی تواند مدرک این قاعده باشد زیرا اجماع جایی ممکن است دلیل فقهی محسوب شود که مدرک دیگری در میان نباشد با وجود دلیل و مدرک دیگر، اجماع اعتبار ندارد.

اما دلیل عقلی: از نظر عقلی مکلف کردن مردم به امور سخت و حرجی محال و ممتنع نیست بلکه در شرایع گذشته وجود داشته است همان طور که سخن خدای تعالی «ربنا و لا تحمل علینا اصرا کما حملته علی الدین من قبلنا» (بقره، آیه ۲۸۶) به وجود تکالیف سخت و همراه با ضیق و تنگنا بر امتهای گذشته اشاره دارد. مراد از اصرا، کار شاق و سخت است.

آری عقل مکلف کردن انسانها را به امور خارج از طاقت و توان محال و ممتنع می داند ولی مفروض ما این است که مورد قاعده نفی عسر و حرج نفی امور حرجی و سخت است نه نفی امور خارج از طاقت و توان انسان به هر حال برای نفی تکالیف حرجی دلیل عقلی در میان نیست، بلکه خدای تعالی از روی لطف و کرم و امتنان احکام حرجی را از دین اسلام برداشته است.

### مفاد قاعده

مفاد این قاعده، رفع حکم حرجی است. خواه حکم تکلیفی باشد یا وضعی، زیرا مهم ترین دلیل این قاعده، سخن خدای تعالی «ما جعل علیکم فی الدین من حرج» (حج، آیه ۷۸) است.

صریح این سخن این است که خداوند، جعل و قانون گذاری حرج را در دین نفی کرده است و واضح است مراد از جعلی که خداوند در این آیه نفی کرده است، جعل تشریحی و قانون گذاری است و مراد از دین، احکام جعل شده از جانب خدای تعالی است. پس بدون شك آن چه در این سخن نفی شده است حکمی است که ضیق و حرج از آن ناشی می شود.

بدین معنا که قانون گذار اسلام یعنی خدای متعال حکم حرجی، جعل و تشریح نکرده است. در این صورت مفاد این قاعده همانند مفاد قاعده «لا ضرر» است بر مبنایی که شیخ انصاری برگزیده است که در اسلام، حکم ضرری، رفع و نفی شده است. (شیخ انصاری، ج ۲، ص ۵۳۴) (فوائد الاصول) به هر حال جای هیچ تردیدی نیست که مفاد قاعده لا حرج نفی احکام حرجی است زیرا سخن خدای متعال «ما جعل علیکم فی الدین من حرج» (حج، آیه ۷۸) صراحت دارد در نفی



جعل احکام حرجی، به خلاف ظاهر حدیث شریف لاضرر که در نفی ضرر ظهور دارد نه نفی حکم ضرری مگر اینکه به کمک قراین بر نفی حکم ضرری حمل شود.

خلاصه کلام مراد از نفی عسر و حرج در این دین حنیف در مقابل یسر و سه این است که خدای متعال در این دین که عبارت است از مجموع احکام، اعم از احکام تکلیفی و وضعی، حکمی قرار نداده که از جانب آن حرج، ضیق و عسر متوجه انسان شود بلکه این دین و شریعت قوانینش آسان و همراه با گذشت است و کسانی که به احکام این دین عمل می کنند از ناحیه عمل به این احکام در وسعت، گشایش و آسانی هستند (موسوی البجنوردی: ج ۱، ص ۲۵۶) و به همین دلیل امام (ع) فرموده است «ان الخوارج ضیقوا علی انفسهم بجهالة و ان الدین اوسع من ذلك» (حر العالمی، ج ۵، ص ۲۴۶) یعنی خوارج از روی نادانی امور را بر خود تنگ گرفتند و کار را بر خود سخت کردند و حال آنکه دین واسع تر از این است که مردم را در مضیقه و تنگنا قرار دهد نسبت ادله قاعده نفی عسر و حرج با ادله احکام اولیه:

ادله نفی حرج بر ادله احکام اولیه حکومت دارد، حکومت در جانب محمول آنها به صورت تضییق نه توسعه، یعنی، احکام اولیه را که محمول بر موضوعاتشان هستند محدود و مضیق می کند برای مثال «وجوب» که بر موضوع وضو حمل شده است (وضو، واجب است) وجوب را در موارد حرجی از وضو رفع می کنند و آن را محدود به موارد غیر حرجی می سازد. پس رابطه ادله قاعده لاجرج با ادله احکام اولیه رابطه حاکم و محکوم است.

### کاربرد این قاعده در قوانین ایران:

ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی: در صورتی که دوام زوجیت موجب عسر و حرج زوجه باشد وی می تواند به حاکم شرع مراجعه و تقاضای طلاق کند چنانچه عسر و حرج مذکور در محکمه ثابت شود دادگاه می تواند زوج را اجبار به طلاق نماید و در صورتی که اجبار میسر نباشد زوجه به اذن حاکم شرع طلاق داده میشود (اصلاح شده در آبان ۱۳۷۰)

در این ماده مفاد قاعده نفی عسر و حرج به صراحت اعمال شده است و به موجب آن مفاد ماده ۱۱۳۳ همین قانون که اختیار طلاق را به دست مرد داده است محدود می شود یعنی در مراحل

که دوام زوجیت مورد عسر و حرج زوجه باشد و این مطلب در دادگاه ثابت شود مفاد ماده بالا به کار گرفته نمی شود و در نتیجه اختیار طلاق از زوج گرفته می شود.

ماده ۹ قانون روابط موجد و مستاجر، مصوب ۱۳ / اردیبهشت / ۱۳۶۸:

مقرر داشته است در مواردی که دادگاه تخلیه ملک مورد اجاره را به لحاظ کمبود مسکن موجب عسر و حرج بداند و معارض با عسر و حرج موجد نباشد می تواند مهلتی برای مستاجر قرار دهد.

### نتیجه گیری:

تعابیری کلی و قاعده ای در قرآن کریم آمده است.

تعابیری کلی به صورت قاعده و ضابطه و ملاک در قرآن کریم آمده است:

در دین بر شما حرجی وضع و جعل نشده است (۷۸، حج)

خداوند نمی خواهد بر شما حرجی قرار دهد (۶، مائده)

خداوند برای شما آسانی را می خواهد و سختی را برای شما نمی خواهد (۱۸۵، بقره)

از این تعابیر جامع و کلی استفاده می شود در دین اسلام که حوزه جعل و قانون گذاری است قانونی حرجی اعم از حکم تکلیفی و وضعی، قرار داده نشده. اراده تشریحی الهی بر نفی قوانین حرجی و سخت و مضیق آور است. خداوند آئین و نظام آسانی برای زندگی آدمیان خواسته است نه آئین و مقررات سخت و دشوار مضیق آور.

در روایات معصومین (ع) هم تصریح شده است شریعت اسلام سهل است یعنی قوانین و تکالیف آن شاق و دست و پاگیر نیستند، و شریعتی سمحه است یعنی با گذشت و در مواردی که مکلفین در عمل به الزامات و قوانین اسلام در تنگنا واقع شوند، این الزامات ملغی می شوند. و نمونه هایی از این الغاء در روایات دیده می شود که در بحث اخبار مربوط به این قاعده به آنها اشاره ای شد. بنابراین ضروری است در تصویب قوانین این ضابطه و معیار نفی احکام عسر و حرج آور مورد توجه دست اندرکاران امر و قانون گذاری، قرار گیرد.